

مطالعه جامعه‌شناختی رضایتمندی از سکونت در میان ساکنان شهر جدید پردیس و گونه‌شناسی آن*

بشیر خادم‌ملو^۱

ناصرالدین غراب^۲

حسینی رضائی رمی^۳

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۱۲

تاریخ دریافت: ۹۸/۴/۲۳

چکیده

تأسیس شهر جدید پردیس در سال ۱۳۶۸ به منظور اسکان بخشی از سرریز جمعیت تهران به تصویب رسید. طی این سال‌ها، اجرانشدن بسیاری از برنامه‌های «طرح جامع» و اجرای خارج از برنامه برخی طرح‌ها مانند احداث پروژه‌های مسکن مهر سبب شده بسیاری از اهداف اولیه طرح در شهر پردیس محقق نشود و رضایتمندی از سکونت در این شهر را با چالش‌هایی مواجه کند. همچنین نزدیکی به تهران و این واقعیت که بخش عمده‌ای از ساکنان، به‌ناچار یا خودخواسته از تهران آمده‌اند، موجب پیچیدگی فرایندهای ذهنی و نگرشی شده و گونه‌های مختلف رضایتمندی را پدید آورده است. در این پژوهش، بیشتر بر ابعاد ذهنی و کیفی مفهوم رضایتمندی از سکونت شامل نگرش، انگیزه و تمایلات تأکید شده است. روش پژوهش، ترکیب همزمان گردآوری داده‌های کمی و کیفی است؛ به‌نحوی که از مطالعه پیمایشی و مصاحبه گروهی برای توصیف و گونه‌شناسی رضایتمندی از سکونت استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد سکونت در شهری مانند پردیس، از لحاظ رضایتمندی، با چالش‌ها و مسائل بسیاری همراه است. از این منظر، پنج گونه سکونت در شهر پردیس شناسایی شده است: مرددها، تودوق‌خورده‌ها، تبعیدی‌ها، سازگارها و خوشحال‌ها. همچنین الگوی کنش مرتبط با رضایتمندی در میان تبعیدی‌ها و تودوق‌خورده‌ها نوعی فاصله‌گیری و کناره‌گیری، و در میان خوشحال‌ها، مشارکت در اجتماعات محلی است. **واژه‌های کلیدی:** رضایتمندی از سکونت، شهر خوابگاهی، شهرهای جدید، فاصله‌گیری از نقش، گونه‌شناسی.

*مقاله حاضر از طرح پژوهشی با عنوان «شناخت جامع اجتماعی و نیمرخ محلات شهر جدید پردیس» استخراج شده است. این طرح به سفارش شرکت مادر تخصصی عمران شهرهای جدید انجام شده است.

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)،

b.khademlou@modares.ac.ir

۲. استادیار مطالعات فرهنگی، دانشگاه علم و فرهنگ، ghorab@usc.ac.ir

۳. کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه علامه طباطبائی، hosna.rezaeirami@gmail.com

مقدمه و طرح مسئله

احداث شهر جدید پردیس در امتداد جاده تهران-مازندران و به منظور اسکان بخشی از سرریز جمعیت کلان‌شهر تهران در سال ۱۳۶۸ به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری رسید (مصوبات شورای عالی معماری و شهرسازی). مهم‌ترین اهداف مورد انتظار از احداث شهرهای جدید عبارت است از توزیع مناسب و برنامه‌ریزی شده جمعیت در منطقه شهری مورد نظر از طریق هدایت سرریز جمعیت کلان‌شهر به شهرهای جدید و همچنین جلوگیری از افزایش بی‌رویه قیمت زمین و مسکن و ایجاد نواحی حاشیه‌نشینی شهرها (طرح جامع شهر جدید پردیس، مهندسین مشاور آتک، ۱۳۷۴: ۵). مطابق طرح جامع شهر پردیس که در سال ۱۳۷۴ به تصویب شورای عالی معماری و شهرسازی رسید، ۲۰۰ هزار نفر از جمعیت ۲۱ میلیون نفری منطقه شهری تهران در سال ۱۳۹۵ در پردیس ساکن خواهند بود (همان: ۵). مطابق سرشماری سال ۱۳۸۵، پردیس دارای جمعیتی معادل ۲۵،۳۷۴ نفر بوده که با رشد سالیانه ۹/۲ درصدی به ۳۷،۲۵۷ نفر در سال ۱۳۹۰ رسیده است (سرشماری نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰). همچنین با نزدیک شدن به افق طرح جامع و احداث پیش‌بینی نشده مسکن مهر، جمعیت شهر به ۷۳،۳۶۳ در سال ۱۳۹۵ نفر رسیده که رشد چشمگیری را نشان می‌دهد. براساس بازنگری طرح جامع، جمعیت پردیس پس از اجرای کامل پروژه‌های مسکن مهر به ۴۰۴ هزار نفر خواهد رسید که حدود دو برابر جمعیت اولیه آن است (بازنگری طرح جامع شهر جدید پردیس، مهندسین مشاور پی‌کده، ۱۳۸۴: ۵۶). به این معنا که نیمی از جمعیت، مازاد بر ظرفیت خدماتی آن در شهر ساکن خواهند شد. طرح جامع اولیه برای پیش‌بینی ویژگی‌های جمعیت ساکن در پردیس، بر چهار عامل تأکید کرده است: ۱. ویژگی‌های اقلیمی و دسترسی‌های مناسب به‌ویژه برای ساکنان شرق تهران، ۲. جاذبه‌های اشتغال شهر که این ظرفیت را خواهد داشت تا بخشی از متخصصان و بوروکرات‌های شهری و همچنین گروهی بورژوازی مالی را در خود جای دهد، ۳. هزینه کمتر مسکن در قیاس با شهرهای پیرامون که سبب خواهد شد گروه‌های کم‌درآمد و میان‌درآمد جذب آن شوند و ۴. متقاضیان اولیه شرکت‌های تعاونی مسکن در پردیس که شامل کارگران، کارمندان و متخصصان ادارات و مراکز دولتی بودند؛ بنابراین، طرح جامع قشریندی اجتماعی پردیس را در افق طرح به این ترتیب پیش‌بینی کرده است: مزدبگیران تولید و خدمات (۲۸ درصد)، کارمندان اداری و خدمات دفاع (۲۴ درصد)، کسبه و اصناف خدماتی (۱۷

درصد)، اصناف تولیدی و حمل‌ونقل (۱۴ درصد)، مشاغل فنی و تخصصی (۱۲/۱ درصد)، کشاورزان (۱ درصد)، مدیران و کارمندان عالی‌رتبه (۰/۵ درصد) و سایر (۳/۴ درصد) (مهندسی مشاور آتک، ۱۳۷۴: ۱۱۰-۱۱۷). به نظر می‌رسد محقق‌نشدن برنامه‌های اشتغال‌زایی مورد نظر طرح جامع از یک سو و احداث مازاد بر ظرفیت و پیش‌بینی‌نشده مسکن مهر از سوی دیگر، بسیاری از معادلات را در این شهر بر هم زده است. در مقاله‌ای با عنوان «تحلیلی بر نقش شهر جدید پردیس در تمرکززدایی از کلان‌شهر تهران»، محققان به این نتیجه رسیدند که شهر پردیس حتی در اهداف اولیه تأسیس، برای جذب سرریز بخشی از مازاد جمعیت و تمرکززدایی از شهر تهران نیز موفقیت چندانی نداشته و این امر ناشی از احداث نامتناسب زیرساخت‌ها و نداشتن زمینه‌های اشتغال بوده است (ابراهیم‌زاده و همکاران، ۱۳۸۸). طرح جامع همچنین پیش‌بینی کرده است شاغلان خدمات اجتماعی یعنی کارکنان مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی و مراکز تفریحی و توریستی نقش اقتصادی بارزی را در حیات آتی شهر ایفا خواهند کرد؛ به نحوی که ضریب خوابگاهی از ۶۰ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۲۳ درصد در سال ۱۳۹۵ تنزل یافته و با شهری خوداتکا، خودبسنده و غیرخوابگاهی مواجه خواهیم بود. مطالعات اولیه و برخی تحقیقات دانشگاهی انجام‌شده این خوش‌بینی اولیه را به چالش کشیده است: داداش‌پور و همکاران (۱۳۹۲) با بررسی جریان سفرهای انجام‌شده میان پردیس و تهران عنوان کردند: «در زمینه سفرهای کاری، هنوز وابستگی فراوانی به شهرهای منطقه کلان‌شهری وجود دارد... در واقع شهر پردیس نقش خود را به‌عنوان یک شهر جدید ایفا نکرده و به‌عنوان یک شهر خوابگاهی در جوار کلان‌شهر تهران عمل می‌کند.» تقاضاهای فراوان مردمی برای احداث متروی تهران به پردیس نیز به خوداتکابودن شهر صحنه می‌گذارد. از سوی دیگر، گرانی فزاینده مسکن و خدمات در تهران، وضعیت پیچیده‌ای را برای سکونت در تهران و شهرهای اطراف آن رقم زده است؛ به طوری که شاهد جابه‌جایی‌های جمعیتی به سوی شهرهای اقماری تهران هستیم. معادله کار-سکونت طی دهه گذشته به سمتی رفته که می‌توان به گونه‌ای «واگرا» صورت‌بندی‌اش کرد؛ به ترتیبی که فرصت‌های شغلی به سمت تهران و فرصت‌های سکونت، به ویژه برای طبقات متوسط رو به پایین، به خارج از آن گرایش پیدا کرده‌اند. بخشی از متقاضیان شهرهای اقماری را افرادی تشکیل می‌دهند که به معنایی ذهنی و عینی، به تهران وابسته هستند، اما توان مالی سکونت در آن را ندارند و ناگزیر از ترک آن می‌شوند؛ جذابیت‌هایی مانند کار و خدمات و نیز

پیوندهای خانوادگی و دوستی، نمایانگر وابستگی‌های عینی و همچنین احساس تعلق و نگرش به تهران به‌عنوان شهری مطلوب برای زندگی، بیانگر وابستگی‌های ذهنی هستند. مجموع این عوامل و ترکیب آن‌ها به ما کمک خواهد کرد تا به وضعیت سکونت در پردیس پی ببریم و گونه‌های مختلف سکونت و رضایتمندی از آن را شناسایی کنیم. در واقع، بررسی رضایتمندی از سکونت در شهری مانند پردیس، ما را در سنجش موفقیت یا شکست سیاست‌ها و برنامه‌های مسکن‌سازی و شهرسازی از منظر نوع و ماهیت سکونت یاری خواهد کرد. همچنین تجربه زیسته ساکنان و فهم آن‌ها از زندگی در این شهر را بر ما نمایان خواهد ساخت.

همان‌طور که گفته شد، پردیس با افزایش روزافزون جمعیت و وضعیت نامتناسب اشتغال-سکونت در مجاورت تهران، با وضعیت پیچیده و مخاطره‌آمیزی از حیث سکونت مواجه خواهد شد. پرسش از وضعیت سکونت، پرسش پیچیده‌ای از سویه‌های ذهنی^۱ و عینی^۲ سکونت در یک سکونتگاه است. پرسش از وضعیت سکونت در یک سکونتگاه^۳ مختص رشته دانشگاهی خاصی نیست و رشته‌های متفاوت با تأکیدهای نظری و روش‌شناختی گوناگون به آن می‌پردازند؛ مطالعاتی که بیش از پیش به‌گونه‌ای بینارشته‌ای^۴ پیش خواهد رفت.

چارچوب مفهومی و تجربی

مفهوم رضایتمندی از سکونت حاصل تطور مفهومی ناشی از تلاش‌های نظری علوم مختلف درباره سکونت انسان شهری است. مفاهیمی مانند کیفیت مسکن، کیفیت محیط و کیفیت زندگی شهری با تأکیدهای متفاوت، بخشی از این منظومه مفاهیم مرتبط با سکونت هستند؛ به‌نحوی که علوم مختلف به‌همراه رویکردهای متفاوت، ابعادی از آن را مطالعه کرده‌اند؛ برای نمونه گفته‌اند: «یک محیط با شاخص‌های فیزیکی و نمادین می‌تواند احساسی از رضایتمندی را برای افراد به‌همراه داشته باشد» (لانسینگ و مارانز، ۱۹۶۹). مطالعات شهری به‌ویژه در موضوع بررسی کیفیت محیط و رضایتمندی همواره در طیفی از شاخص‌های عینی و ذهنی در حرکت بوده است. البته جداسازی این شاخص‌ها ماهیتی تحلیلی دارد؛ چرا که «تجربه بودن در شهر می‌تواند مرز میان عینیت و ذهنیت را در

1. Subjective
2. Objective
3. Habitation
4. Interdisciplinary

لذت‌بخش‌ترین یا هراس‌انگیزترین شیوه مبهم و تار کند» (تانکیس، ۱۳۹۰: ۲۰۲). در همین راستا، «والتر بنیامین تصویری از زندگی دوگانه شهرها را به شیوه‌ای که آن‌ها میان ذهنیت و عینیت می‌لغزند، در تقابل میان زندگی پرحرکت خیابان‌ها و نظم ایستای نقشه به‌دست می‌دهد» (همان: ۱۹۳). رویکردهای موجود در مطالعات رضایتمندی، هر یک محصول یک حوزه علمی خاص مانند معماری، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و غیره است» (رفعیان و همکاران، ۱۳۸۹)؛ برای نمونه در اندیشه جورج زیمل «بنیادهای روان‌شناختی انسان شهری در شدت تحریکات عصبی است که از تغییرات سریع در کلان‌شهرها ناشی می‌شود» (زیمل، ۱۳۷۲: ۵۴). باین حال، تعامل میان این حوزه‌ها سبب شده است چنین مطالعاتی دیگر دچار عینیت‌گرایی یا ذهنیت‌گرایی تام نشوند؛ هرچند هر یک از آن‌ها بسته به ماهیت و ملاحظات روش‌شناختی به یک سر طیف نزدیک‌تر خواهند بود.

مفهوم رضایتمندی سکونتی که در دهه‌های اخیر به تحقیقات شهری وارد شده است، بیشتر با نگرستن به سکونتگاه‌های شهری از زاویه دید ساکنان، به معیاری عام برای سنجش ادراک کیفیت محیط تبدیل شده است (بابا و آستین، ۱۹۸۹؛ ها و وبر، ۱۹۹۴).

در کنار متغیرهای عینی و سنجش تأثیر آن‌ها، مقوله‌هایی مانند ماندگاری^۱ و تعلق مکانی در بررسی رضایتمندی اهمیت زیادی دارد. یکی از مدل‌های مفهومی معتبر در سنجش رضایتمندی سکونتی، مدل آمریگو و آراگونز است. این مدل در کنار توجه به ابعاد عینی مانند کیفیت مسکن و خدمات، بر عوامل ذهنی مانند ایده‌آل‌های سکونتی و نیز مقایسه ذهنی شرایط کنونی با سکونت قبلی و سکونت مورد انتظار تأکید ورزیده است. آمریگو و آراگونز در مطالعات خود، به مدل‌های رفتاری متناسب با سطح رضایتمندی توجه می‌کنند و برای مثال نشان می‌دهند ساکنانی که به مسائل محل سکونتشان عکس‌العمل کمتری دارند، در مقایسه با دیگران، رضایت بیشتری داشته‌اند (آمریگو و آراگونز، ۱۹۹۷). آن‌ها برای بررسی دقیق‌تر رضایتمندی سکونتی چهار پرسش ضروری را مطرح کرده‌اند: «۱. چقدر از سکونت در مکان احساس رضایت می‌کنید؟ ۲. چه مدت در اینجا می‌مانید؟ ۳. اگر قصد جابه‌جایی داشته باشید، به محیط سکونتی مشابه محیط کنونی خواهید رفت؟ ۴. سکونت در اینجا را به دوستان خود توصیه می‌کنید؟» (آمریگو و آراگونز، ۱۹۹۰).

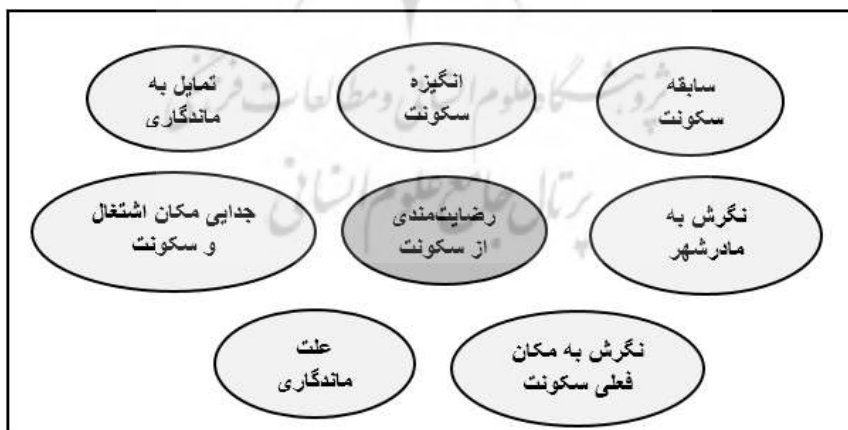
1. Durability

عوامل و متغیرهای بسیاری ممکن است بر میزان رضایتمندی ساکنان اثرگذار باشند؛ برای مثال جنسیت، شغل یا درآمد بر رضایتمندی اثر می‌گذارند؛ به طوری که شاید بتوان گفت افرادی که درآمد بیشتر دارند، از محل سکونتشان راضی‌تر هستند (گیفورد، ۱۳۷۸). با این حال، توصیف و تحلیل رضایتمندی از سکونت، نه فرایندی تک‌بعدی و تک‌خطی، بلکه فرایندی چندوجهی و پیچیده است؛ به‌ویژه هنگامی که عوامل کیفی‌تری مانند «ارزش‌ها، انتظارات، مقایسه با سکونتگاه قبلی یا سکونتگاه دیگران و امید یا ناامیدی از آینده» (همان: ۱۳۷۸) را نیز در نظر بگیریم. در واقع می‌توان گفت در بررسی رضایتمندی، شرایط عینی و ذهنی رابطه‌ای دوسویه با هم دارند و یکدیگر را مشروط و محدود می‌کنند. شرایط عینی با عبور از فیلترهای ذهنی مانند نگرش و جهان‌بینی قضاوت و ارزیابی می‌شود و در نهایت موضوع رضایتمندی سکونتی را به امری ذهنی بدل می‌سازد (برک‌پور و همکاران، ۱۳۹۵).

در این پژوهش، برای توصیف و طبقه‌بندی رضایتمندی از سکونت، از این رویکرد مفهومی و نظری چندوجهی و متمرکز بر عوامل کیفی و نگرشی استفاده می‌کنیم. در این رویکرد، عوامل کالبدی، محیطی، اقتصادی و جمعیتی کنار گذاشته نمی‌شوند. با این حال، رابطه‌ای ضروری و قطعی نیز میان این عوامل و رضایتمندی برقرار نخواهد شد. به این ترتیب، به صورت قطعی نمی‌توان گفت که افراد با درآمد بالاتر، مالکان نسبت به مستأجران یا کارمندان نسبت به کارگران صنعتی رضایتمندی بیشتری دارند. در این رویکرد، انگیزه‌های سکونت، تمایل و علت ماندگاری، نگرش به مکان و مقایسه شرایط کنونی با شرایط قبلی و مورد انتظار سکونت و نیز دیگر عوامل، به دلیل تأثیری که بر آن‌ها خواهند گذاشت، منظومه مفهومی رضایتمندی از سکونت را تشکیل خواهند داد؛ منظومه‌ای که اجزای آن روابط پیچیده و چندسویه با هم دارند و الگوهایی مشترک از تجربه سکونتی افراد را تشکیل می‌دهند. در این رویکرد، بیشتر از آنکه به دنبال نشان دادن میزان رضایتمندی یا عوامل مؤثر بر آن باشیم، به دنبال توصیف گونه‌های مختلفی از تجربه‌های سکونتی افراد هستیم که هرکدام بیانگر سطوح و کیفیاتی از رضایتمندی سکونتی خواهند بود.

مطالعه رضایتمندی در شهرهای اقماری یا شهرهای جدید با پیچیدگی و تمایز تحلیلی خاص خود همراه است. مادرشهر به علت جذابیت‌های خود، همواره بر رضایتمندی سکونت در شهرهای

اقماری تأثیر خواهد گذاشت. همان‌طور که گفته شد، فرایندهای مقایسه ذهنی میان شرایط گذشته، کنونی و مورد انتظار، جایگاه مهمی در منظومه مفهومی رضایتمندی دارد. از این زاویه، مادرشهر چه از حیث سابقه سکونت ساکنان شهرهای اقماری و چه از حیث سکونتگاه مورد انتظار و مطلوب، همواره منبع فراگیری برای مقایسه محسوب می‌شود؛ بنابراین عامل نگرش به مادرشهر باید مورد توجه واقع شود. همچنین واقعیت دیگری که در شهرهای اقماری مشاهده می‌شود، شکاف عمیق میان فعالیت از سکونت است؛ به نحوی که هانری لوفور آن‌ها را خوابگاه‌هایی عمومی می‌داند که کارگران و کارمندان اخراج‌شده از مرکز شهر را در خود جای می‌دهند (لوفور، ۱۹۷۱)؛ وضعیتی که در ایران نیز به دلیل وابستگی شدید شهرهای جدید به مادرشهر و مسائلی مانند نداشتن خاطره و هویت‌های جمعی شاهد آن هستیم و چنین شهرهایی را به خوابگاه‌هایی بزرگ تبدیل کرده است (شاطریان و همکاران، ۱۳۹۶؛ تختی و وثوقی، ۱۳۸۶). از منظری دیگر، شهرهای جدید که با هدف جذب بخشی از تقاضای سکونت در مادرشهر وارد برنامه‌ریزی شهری کشور شده‌اند، عمدتاً به مکان سکونت افرادی تبدیل شده‌اند که به دلیل مشکلات معیشتی به اجبار مادرشهر را ترک می‌کنند و به تعبیری از آن تبعید می‌شوند؛ اقامتگاه‌هایی بعضاً اجباری که ساکنان آن منتظر فرصتی برای خروج هستند (شاطریان و همکاران، ۱۳۹۶)؛ بنابراین، انگیزه سکونت برای ترسیم وضعیت سکونت و رضایتمندی سکونتی در شهرهای جدید، از نقشی تعیین‌کننده برخوردار است. نظر به مباحث گفته‌شده، اجزای مفهومی رضایتمندی از سکونت به ترتیب زیر است (شکل ۱):



شکل ۱. منظومه مفهومی رضایتمندی از سکونت

طی این سال‌ها تحقیقاتی با محوریت سنجش کیفیت سکونت و رضایت از آن انجام شده است. در تحقیقی که با موضوع سنجش میزان رضایتمندی ساکنان محله نواب انجام شده، رضایتمندی افراد از واحدهای سکونتی‌شان در حد متوسط بوده است. ساکنان از میان معیارهای سازنده رضایتمندی سکونتی، از امنیت مجتمع راضی، از روابط همسایگی نسبتاً راضی و از سایر موارد ناراضی بوده‌اند (رفعیان و همکاران، ۱۳۸۸). تحقیقاتی که به بررسی رضایتمندی در مسکن مهر و شهرهای جدید پرداخته‌اند، عمدتاً از این منظر به چالش‌های این مناطق مسکونی پرداخته‌اند. شاطریان و همکاران (۱۳۹۶) با اشاره به نداشتن خاطره و هویت‌های جمعی و محیط‌های مصنوعی نتیجه گرفتند که ساکنان شهر جدید پردیس تا حدود زیادی احساس منزوی بودن می‌کنند و سکونتی اجباری و بدون تعلق دارند. در پژوهشی دیگر، در میان ساکنان شهر جدید پرنده، میزان رضایتمندی از کیفیت محیط به‌ویژه در شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی، عمدتاً کمتر از متوسط یا کم ارزیابی شده است (رضایی و همکاران، ۱۳۹۳). همچنین از جمله پژوهش‌های نادری که به الگوهای رفتاری مرتبط با رضایتمندی سکونتی توجه نشان داده، به بررسی رضایتمندی در مهرشهر کرج پرداخته است. مطابق این پژوهش، وفاداری به مکان، بی‌اعتنایی به آن، خروج از منطقه و مشارکت فعال برای حل مسائل، الگوهای رفتاری مرتبط با رضایتمندی در محدوده هستند (رفعیان و همکاران، ۱۳۹۵).

روش‌شناسی پژوهش

هدف اصلی این پژوهش، توصیف و درنهایت گونه‌شناسی است. پژوهش توصیفی با تشریح دقیق پدیده مورد مطالعه، توالی‌های مکرر و الگوهای منظم آن را نشان می‌دهد و از این حیث، پدیده را مقوله‌بندی و طبقه‌بندی می‌کند. در این پژوهش، از ترکیب روش کمی و کیفی به‌صورت همزمان استفاده شد؛ به‌ترتیبی که پژوهشگران روش کمی و کیفی را همزمان و با وزنی یکسان و برای به‌دست‌آوردن داده‌هایی متفاوت اما مکمل در مورد مسئله و هدف پژوهش به‌کار بردند. در این روش که آن را همسوسازی یا مثلث‌سازی^۱ برون‌روشی نیز نامیده‌اند، استفاده همزمان از روش‌ها سبب می‌شود دقت و اطمینان‌پذیری نتایج افزایش یابد و نقش آن‌ها

این است که به کاربرد سایر روش‌ها کمک کنند (بلیکی، ۱۳۹۶: ۳۵۰). در گردآوری داده به روش کمی، از شاخص‌سازی و تدوین پرسشنامه، و در گردآوری داده به روش کیفی از مصاحبه گروهی استفاده شد. نتایج مصاحبه‌های گروهی نه تنها در تفسیر و تعمیق نتایج مطالعه پرسشنامه‌ای به پژوهشگران کمک کرد، بلکه در روشن‌شدن جنبه‌های کیفی و ذهنی رضایتمندی از سکونت بسیار راهگشاست.

جامعه آماری این پژوهش کلیه خانوارهای ساکن در شهر پردیس هستند. با توجه به جمعیت شهر پردیس در سال ۱۳۹۵ که ۷۳۰۰۰ نفر برآورد شده و براساس فرمول کوکران با سطح اطمینان ۹۵ درصد، حجم نمونه ۳۸۰ نفر تعیین شد که عمدتاً سرپرستان خانوار را شامل می‌شود. همچنین به علت بزرگی و وسعت جامعه مورد مطالعه، از نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شد. در این روش نمونه‌گیری، کسب نمونه نهایی متضمن انتخاب چند نمونه مختلف است و به‌گونه‌ای انجام می‌شود که هزینه مصاحبه نهایی به حداقل برسد (دواس، ۱۳۸۳: ۷۴). نمونه‌گیری به ترتیبی انجام گرفت که شهر پردیس، از کل به جزء، به فازهای شهری، بلوک‌های شهری، مجتمع‌های مسکونی و خانوارهای مختلف تقسیم شده و در هر مرحله، با استفاده از نمونه‌گیری سیستماتیک، نمونه‌گیری انجام گرفته است. همچنین با توجه به اهمیت مسکن مهر در شهر پردیس و الگوهای فضایی متفاوت آن با محدوده‌های قدیمی‌تر شهر و به‌منظور افزایش ضریب اطمینان از اینکه نمونه انتخابی از لحاظ این دوگانه فضایی با جامعه مطابقت داشته باشد، در ابتدا حجم نمونه محاسبه شده را براساس نسبت جمعیت مسکن مهر به جمعیت محدوده‌های قدیمی‌تر شهر (۴۳ به ۵۷ درصد) سهمیه‌بندی کردیم. همچنین جمع‌آوری اطلاعات کمی به روش پیمایشی انجام گرفت؛ به‌طوری‌که رضایتمندی از سکونت با استفاده از چارچوب مفهومی و نظری پژوهش و همچنین مطالعه اکتشافی شاخص‌سازی شد و پرسش‌های متناسب با آن نیز طراحی شدند (جدول ۱). با آماده‌سازی پرسشنامه و آموزش پرسشگران، اطلاعات جمع‌آوری شد و در نهایت، اطلاعات به‌وسیله نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند.

جدول ۱. شاخص‌های رضایتمندی از سکونت

شاخص	پرسش	پاسخ‌ها
انگیزه سکونت	انگیزه‌تان برای انتخاب پردیس چه بود؟	از عهده اجاره مسکن در شهر قبلی برنیامدم می‌خواستم صاحب‌خانه شوم می‌خواستم در محیط بهتری زندگی کنم به‌خاطر خانواده و اقوام به اینجا آمدم برای یافتن شغل آمدم
تمایل به ماندگاری	در آینده در پردیس می‌مانید؟	بلی خیر هنوز تصمیم نگرفته‌ام اگر امکاناتش بهتر شود می‌مانم
علت ماندگاری	اگر می‌مانید چرا؟	نسبتاً ارزان است چاره دیگری ندارم آب‌وهوای آن مناسب است آرامش محیطی دارد
نگرش به مکان سکونت	نظراتان درباره زندگی در پردیس چیست؟	احساس خوبی از زندگی در اینجا دارم به اینجا فقط به‌عنوان محل استراحت نگاه می‌کنم از سر ناچاری اینجا هستم و اگر فرصت بهتری پیش بیاید از اینجا می‌روم برای زندگی بد نیست

گردآوری کیفی داده‌ها

مصاحبه گروهی

مصاحبه گروهی یکی از روش‌های کیفی بهینه گردآوری داده است که با استفاده از شش تا هشت نفر و با بهره‌گیری از مزایای گروه در جرح و تعدیل، کنترل و غربال‌گری دیدگاه‌های غلط و افراطی انجام می‌شود؛ به‌نحوی که می‌توان به‌گونه‌ای سریع و مناسب به اجماع نسبی بر سر دیدگاه‌های مشترک رسید (فیلیک، ۱۳۸۸: ۲۱۲). در این پژوهش، سه مصاحبه گروهی انجام گرفت که در هر یک، از ۸ پاسخگو برای مصاحبه استفاده شد. با توجه به نسبت جنسی شهر پردیس (۱۱۰۱،۳۸)^۱ تعداد زنان و مردانی که با آن‌ها مصاحبه شد، مساوی است. همچنین با توجه به وضعیت تحصیلی شهر که ۷۱/۵ به ۲۸/۵ (دیپلم و زیر دیپلم به تحصیلات عالی) است،

۱. سرشماری آماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵

از ۶ نفر زیر دیپلم و ۲ نفر با تحصیلات دانشگاهی استفاده شد. همچنین با صاحبان مشاغل متنوعی مانند خانه‌دار، کارمند اداری، بنگاه مسکن، معلم، راننده شرکت واحد، دانشجو، مهندس ساختمان، مغازه‌دار و کارمند یک سازمان غیردولتی مصاحبه صورت گرفت. به‌طور کلی، از آنجا که در این پژوهش نتایج مصاحبه‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای دارد، مصاحبه‌شوندگان به‌نحوی گزینش شدند که ویژگی‌هایشان تا حد زیادی با خصوصیات جامعه هدف مطابقت داشته باشد.

گونه‌شناسی

گونه‌های سکونتی از ترکیب شاخص‌های انگیزه سکونت، تمایل به ماندگاری، علت ماندگاری و گرایش به زندگی در پردیس ساخته شده است؛ ساکنانی را که در واکنش به پرسش «آیا در پردیس می‌مانید» صراحتاً پاسخ منفی داده‌اند، با گونه «تودوق خورده» مشخص کردیم. همچنین آن‌هایی را که با پاسخ «هنوز تصمیم نگرفته‌ام» و «بستگی به امکانات دارد» واکنش نشان داده‌اند، به‌عنوان «مردد» گونه‌بندی کردیم؛ و آن‌ها را که به پرسش مذکور پاسخ مثبت داده‌اند، بسته به انگیزه سکونت، علت ماندگاری و گرایش به پردیس، با سه گونه «تبعیدی»، «سازگار» و «خوشحال» مشخص کردیم (جدول ۲).

جدول ۲. ترکیب شاخص‌ها

شاخص‌ها				گونه سکونتی
نگرش به پردیس	علت ماندگاری	تمایل به ماندگاری	انگیزه سکونت	
بد نیست	ارزانی و نداشتن گزینه دیگر	می‌مانم	با هر انگیزه‌ای	
احساس خوب	ارزانی و نداشتن گزینه دیگر	می‌مانم	با هر انگیزه‌ای	سازگار
بد نیست /محل استراحت	آب‌وهوای مناسب/آرامش	می‌مانم	با هر انگیزه‌ای	
احساس خوب	آب‌وهوای مناسب/آرامش	می‌مانم	صاحب‌خانه‌شدن / محیط بهتر	خوشحال
احساس خوب	آب‌وهوای مناسب/آرامش	می‌مانم	اجاره کمتر	
از سر ناچاری/محل استراحت	ارزانی و نداشتن گزینه دیگر	می‌مانم	اجاره کمتر	
از سر ناچاری/محل استراحت	ارزانی و نداشتن گزینه دیگر	می‌مانم	صاحب‌خانه‌شدن	تبعیدی
از سر ناچاری/محل استراحت	ارزانی و نداشتن گزینه دیگر	می‌مانم	محیط بهتر	
		نمی‌مانم		تودوق‌خورده
		تصمیم نگرفته‌ام		مردد
		به امکانات بستگی دارد		

یافته‌های تحقیق

دو متغیر سابقه سکونت و مکان اشتغال، نه به شکل مستقیم بلکه به صورت زمینه‌ای در نشان-دادن وضعیت سکونت و رضایتمندی از آن به ما کمک می‌کنند. همان‌طور که گفته شد، مقایسه ذهنی وضعیت سکونت فعلی با سکونت قبلی و همچنین سکونت مطلوب و مورد انتظار، بر ماهیت رضایتمندی ساکنان اثرگذار خواهد بود؛ اینکه فرد از سکونتگاهی با استانداردهای خدماتی بالاتر یا پایین‌تری آمده باشد و اینکه آن سکونتگاه چه تصویری را از سکونت مطلوب برای او ساخته باشد، ممکن است بر رضایتمندی او اثرگذار باشد. این فرضیه احتمالاً در مورد شهرهای جدید که مادرشهر را به‌عنوان منبع مقایسه و مبدأ سکونت در مجاورت خود می‌بینند، مصداق بیشتری دارد. نتایج نشان می‌دهد ۸۵ درصد از ساکنان پردیس از تهران (و حومه) و تنها ۱۱ درصد از آن‌ها از خارج از استان تهران به آنجا مهاجرت کرده‌اند. همچنین ۵۵ درصد ساکنان مشغول به کار در تهران شاغل هستند و حدود ۴۰ درصد آن‌ها در پردیس و حومه شاغل‌اند. به عبارتی، ضریب خوابگاهی شهر پردیس مرتبط با تهران ۵۵ است. این آمارها نشان می‌دهند تهرانی‌های بسیاری با انگیزه‌های متفاوت و درحالی‌که تعداد زیادی از آن‌ها در تهران شاغل‌اند، در پردیس سکونت دارند. این آمار نمایی کلی و اولیه از وضعیت رضایتمندی سکونتی در پردیس را به تصویر می‌کشد.

همچنین نتایج نشان می‌دهد انگیزه سکونت بیشتر از نیمی از پردیسی‌ها مسئله مسکن بوده است (جدول ۳). به عبارتی، نیمی از ساکنان به این علت که نتوانسته‌اند در شهر قبلی، عمدتاً تهران، خانه‌دار شوند یا اجاره خانه بپردازند، به پردیس آمده‌اند. پس از آن، افزایش کیفیت زندگی در محیطی بهتر و یافتن شغل از انگیزه‌های دیگر افراد برای سکونت بوده است. می‌توان گفت سکونت با انگیزه‌های شغلی و کیفیت زندگی در مقایسه با سکونت با انگیزه حل مشکل مسکن، احتمالاً پایدارتر و همراه با رضایتمندی بیشتری خواهد بود؛ هرچند انگیزه سکونت در ترکیب با دیگر شاخص‌ها به نوع‌شناسی پیچیده و جالبی منتهی خواهد شد.

همچنین اینکه ساکنان یک سکونتگاه چه پاسخی به تمایل به ماندن در آن خواهند داد، در وهله اول، نگرش آن‌ها به اکنون و آینده آن سکونتگاه را مشخص خواهد کرد. تمایل به ماندگاری به‌ویژه در شهرهای جدید و بنا به ماهیت و خصوصیات آن، اهمیت و پیچیدگی

بیشتری دارد؛ چرا که تنها به پاسخ‌های مثبت یا منفی منتهی نمی‌شود و ممکن است پاسخ‌هایی غیرقطعی و تردیدآمیز داشته باشد. پیچیدگی دیگر آن است که تمایل فرد به ماندگاری لزوماً بار معنایی مثبت ندارد و ممکن است نوعی اجبار و ماندگاری توأم با نارضایتی و ناامیدی باشد؛ فرد در مکان ماندگار است نه به این علت که به آن حس تعلق دارد، بلکه به این دلیل که گزینه دیگری ندارد. نتایج نشان می‌دهد ۶۲ درصد از ساکنانی که تمایل به ماندن دارند، کیفیات محیطی را انگیزه ماندگاری خود می‌دانند و بقیه به اجبار در پردیس مانده‌اند. همچنین حدود ۳۴ درصد از ساکنان نگرش تردیدآمیزی به وضعیت کنونی و آتی خود دارند و تصمیم به ماندگاری یا ترک پردیس را به تعویق انداخته‌اند (جدول ۴).

جدول ۳. انگیزه سکونت در پردیس

انگیزه	درصد
اجاره کمتر مسکن	۲۸/۵
خرید خانه	۲۶
زندگی در محیط بهتر	۲۴
پیدا کردن شغل	۱۴/۵
به خاطر خانواده و اقوام	۸
مجموع	۱۰۰

جدول ۴. تمایل به ماندگاری و علل آن در شهر پردیس

در پردیس می‌مانند؟	بلی						
	ارزانی نسبی مسکن	نداشتن گزینه دیگر	آب و هوای مناسب	آرامش محیط	سایر	اظهاری نشده	مجموع دلایل ماندن
درصد	۱۴/۱	۱۸/۵	۴۳	۱۹	۴/۳	۱/۱	۱۰۰
اگر امکان‌پذیر بهتر شود، می‌مانم	۱۵/۴	۱۸/۹	۱۳/۲	۵۲/۵	۱۳/۲	۱۸/۹	۱۵/۴

گرایش ساکنان به پردیس، جنبه‌هایی دیگر از وضعیت ذهنی آن‌ها را روشن می‌سازد و به گونه‌شناسی سکونت کمک می‌کند. در اینجا پاسخگو فارغ از انگیزه و علت ماندگاری، نگرش کلی خود را به شهر بیان می‌کند و اطلاعات مرتبط با شاخص‌های قبلی را تکمیل و تدقیق می‌سازد. نگرش مثبت، منفی و بینابینی پاسخگویان که با گونه‌های مختلف سکونتی نیز مرتبط بوده در جدول ۵ نشان داده شده است؛ برای نمونه، گزینه «برای زندگی بد نیست» ذهنیت افرادی را نشان می‌دهد که تلاش می‌کنند خود را با شرایط سازگار کنند.

تهران مانند هر مرکزی برای پیرامونش بزرگ‌ترین مبنای مقایسه ذهنی برای ساکنان پردیس است. از این منظر، تهران هم در قامت مکان زندگی مطلوب ظاهر شده و هم به شکل مکانی که دیگر جای زندگی نیست و باید از آن دور شد درمی‌آید. این ذهنیت دوگانه را هم می‌توان در ذهنیت متفاوت گونه‌های مختلف سکونتی پردیس و هم در احساس و نگرش دوگانه یک ساکن پردیس به تهران مشاهده کرد. این مشغولیت ذهنی بر رضایتمندی ساکنان پردیس اثرگذار است. همان‌طور که در بخش گونه‌شناسی سکونت خواهیم دید، گونه‌های سکونتی مختلف دارای گرایش‌های متفاوتی به تهران هستند. گروهی از ساکنان در کنار اینکه پیوندهای عینی مشخصی با تهران دارند، به لحاظ ذهنی و نگرشی نیز نتوانسته‌اند خود را از تهران رها کنند و به‌نوعی درگیر آن هستند. آن‌ها را می‌توان «عشق تهران» نامید. این افراد هرچه در پردیس بمانند، باز هم سکونتشان را گذرا و موقتی می‌دانند. آن‌ها هیچ‌گاه بار خود را برای همیشه باز نمی‌کنند و همواره آماده رفتن‌اند. این سکونت موقتی و ناپایدار یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های شهرهای جدید برای تبدیل شدن به اجتماعات^۱ محلی به‌شمار می‌آید. همچنین حدود نیمی از ساکنان ترجیح می‌دهند در فاصله‌ای نسبی از تهران باشند (جدول ۶). به این معنا که نه تمایل دارند در تهران زندگی کنند و نه آنقدر از آن دور شوند که از مواهبش بی‌بهره بمانند. این افراد به‌گونه‌ای ذهنی در نقطه مرزی تهران واقع شده‌اند و متناسب با تغییرات نگرشی و نیز محیطی به‌سمت تهران متمایل یا از آن دور می‌شوند. سکونت آن‌ها اگرچه به‌اندازه گروه اول ناپایدار و گذرا نیست، هرگز تضمینی بر ماندگاری قطعی آن‌ها وجود ندارد. بخشی از ساکنان شهر نیز از تهران فراری‌اند. آن‌ها نه تنها از لحاظ نگرشی از تهران رها شده‌اند،

بلکه بعضاً موضعی منفی نیز در برابر آن دارند. این افراد عمدتاً از بازنشسته‌های فراری از ترافیک، ازدحام و آلودگی هوای بد تهران هستند.

جدول ۵. نگرش ساکنان به زندگی در پردیس

درصد	نوع نگرش
۳۵/۵	احساس خوبی از زندگی در پردیس دارم
۴/۵	به پردیس فقط به‌عنوان محل استراحت نگاه می‌کنم
۲۶/۵	از سر ناچاری در پردیس هستم و اگر فرصت بهتری پیش بیاید از اینجا می‌روم
۳۳/۵	برای زندگی بد نیست
۱۰۰	مجموع

جدول ۶. نگرش ساکنان پردیس به تهران

درصد	نوع نگرش
۲۹	اگر شرایط مساعد باشد، برای زندگی به تهران می‌روم
۴۶	تهران برای زندگی جای خوبی نیست، ولی خیلی هم نمی‌شود از آن دور شد
۱۷	ترجیح می‌دهم هرچه بیشتر از تهران دور باشم
۸	نظر خاصی ندارم
۱۰۰	مجموع

گونه‌شناسی وضعیت سکونت از حیث رضایتمندی

گونه سکونتی تبعیدی

فردی که دیگر توان پرداخت اجاره مسکن را در تهران نداشته، فردی که قصد خانه‌دار شدن داشته و با پولی که داشته نمی‌توانسته در تهران خانه بخرد، فردی که خانه‌اش را فروخته تا برای فرزندش کسب‌وکاری راه بیندازد و با باقی‌مانده آن توانسته ملکی در پردیس تهیه کند و فردی که با بزرگ‌تر شدن فرزندان برای داشتن مسکن بزرگ‌تر مجبور شده به پردیس بیاید؛ این‌ها نمونه‌هایی از افرادی هستند که می‌توان در گونه سکونتی تبعیدی طبقه‌بندی‌شان کرد. گونه تبعیدی دو مشخصه اصلی دارد: اول نارضایتی شدید از سکونت و دوم ناتوانی برای تغییر

شرایط سکونت و در نتیجه ناامیدی از آن. اولی ریشه در مسائل و کمبودهای محیطی و البته ذهنی و نگرشی دارد و دومی با مسائل مالی و توان پایین اقتصادی مرتبط است. تبعیدی‌ها که عمدتاً به انگیزه حل مشکل مسکن به پردیس آمده‌اند، از وضعیت سکونت خود راضی نیستند. بخشی از نارضایتی آن‌ها به این دلیل است که نتوانسته‌اند از لحاظ ذهنی خود را از شهر پیشینشان (و عمدتاً تهران) رها کنند. از این منظر و از لحاظ نگرش ساکنان به تهران، تبعیدی‌ها در دسته افراد عشق تهران قرار می‌گیرند. اما چیزی که حس تبعیدشدگی آن‌ها را بیشتر تقویت می‌کند، ناامیدی آن‌ها حداقل در افق پیش‌رو، از تغییر وضعیت خود است. تبعیدی‌ها با آنکه از وضعیت خود ناراضی هستند، برخلاف تودوق‌خورده‌ها که تصمیمشان صراحتاً ترک پردیس در اولین فرصت است، به سؤال «آیا در پردیس می‌مانید» پاسخ مثبت می‌دهند. اما ماندگاری آن‌ها از روی حس تعلق و رضایتمندی نیست؛ زیرا پردیس در حال حاضر تنها گزینه آن‌ها محسوب می‌شود. تبعیدی‌ها و تودوق‌خورده‌ها هر دو از وضعیتشان ناراضی‌اند و تنها تفاوت آن‌ها در امید و امکان تغییر وضعیت در آینده‌ای نزدیک است. آن‌ها نه آنقدر به تغییر وضعیتشان امیدوار هستند که خود را در آینده‌ای نزدیک در تهران تصور کنند و نه آنقدر ناامیدند که خود را برای همیشه در پردیس تصور کنند. با وجود ناامیدی، تبعیدی‌ها همواره منتظر فرصتی هستند که پردیس را ترک کنند. آن‌ها حتی اگر سال‌ها در پردیس بمانند، همچنان سکونت خود را موقتی و گذرا می‌دانند. به‌طور کلی می‌توان گفت نارضایتی شدید، سکونت اجباری و موقتی، و ناامیدی از تغییر شرایط، وضعیت پیچیده‌ای را برای این افراد رقم زده است.

گونه سکونتی خوشحال

فردی که برای یافتن شغل از شهرستان به تهران آمده و در پردیس ساکن شده است، فردی که پس از بازنشستگی پردیس را برای زندگی انتخاب کرده و فردی که با بزرگ‌تر شدن فرزندانش دیگر تهران را محیطی مناسب برای رشد و تربیت آن‌ها نمی‌داند؛ این موارد نمونه‌های واقعی از گونه سکونتی خوشحال به حساب می‌آیند. وجه مشخصه این گونه سکونتی، رضایت خاطر و احساس خوب آن‌ها از زندگی در پردیس است. خوشحال‌ها با انگیزه‌های مختلفی مانند یافتن شغل، خرید و اجاره مسکن، و محیط مناسب به پردیس آمده‌اند. این خوشحالی لزوماً به وضع مالی مناسب یا صاحب‌خانه‌بودن بر نمی‌گردد و بخشی از آن به فرایندهای ذهنی به‌ویژه

فرایندهای ذهنی مقایسه‌ای مربوط است؛ برای مثال، برخی از مستأجران در محدوده سکونتی با امکانات و خدمات نامناسب ساکن هستند، اما از این وضعیت نیز احساس رضایت دارند؛ چرا که به محیطی آمده‌اند که آرام‌تر و سالم‌تر است؛ بنابراین، خوشحالی‌ها یا حداقل بخشی از آن‌ها، بیشتر موضعی منفی به تهران دارند. تهران از نظر آن‌ها دیگر جای زندگی نیست. آن‌ها عمدتاً دیگر تاب زندگی در تهران را که به‌زعم آن‌ها شلوغ، گران، کثیف و حتی بی‌اخلاق شده است ندارند. آن‌ها ترجیح می‌دهند تهران را از دور نظاره کنند و به وقت نیاز به سراغش بروند. با زندگی در پردیس، هم به‌اندازه کافی از تهران دور شده‌اند و هم پیوند خود را با شبکه‌های ارتباطی دوستانه و خانوادگی حفظ کرده‌اند.

خوشحالی‌ها ممکن است بعضاً حتی از روی اجبار به پردیس آمده باشند، اما مجذوب آرامش و آب‌وهوای آن شده‌اند و تصمیم به ماندن دارند. ماندگاری آن‌ها برخلاف تبعیدی‌ها که از ناامیدی و ناچاری است، ریشه در احساس تعلق و دل بستگی آن‌ها دارد؛ بنابراین سکونت آن‌ها در پردیس پایدار و باثبات است. نکته مهمی که در این میان وجود دارد آن است که سکونت آن‌ها با وجود پایداری، همیشگی و تضمین‌شده نیست. به عبارت دیگر، همان علت‌هایی که خوشحالی‌ها را از تهران دور می‌کند، اگر در پردیس رخ دهد، احتمالاً آن‌ها را از پردیس نیز فراری می‌دهد؛ برای مثال، افزایش روزافزون جمعیت و نابسامانی احتمالی شهر شرایطی را فراهم می‌آورد که خوشحالی‌ها تودوق‌خورده شوند.

گونه سکونتی سازگار

خصیصه این افراد در میانه رضایت کامل و نارضایتی کامل است: جایی میان احساس تبعیدشدگی و احساس خوشحالی از زندگی در پردیس. همچنین نگرش آن‌ها به تهران نگرشی بینابینی است و در فاصله‌ای دور و نزدیک از آن قرار دارد. سازگارها با هر انگیزه‌ای که به پردیس آمده باشند، فعلاً با زندگی در پردیس کنار آمده‌اند و امید دارند که یا وضعیت شهر بهتر شود یا خودشان بتوانند به محیط بهتری بروند. سازگارها ناراضی هستند، اما نه آنقدر که مانند تبعیدی‌ها از زندگی در پردیس اذیت شوند. همچنین راضی هستند، اما نه آنقدر که مانند خوشحالی‌ها خود را برای همیشه در اینجا تصور کنند. آن‌ها تلاش می‌کنند که تا بهتر شدن

شرایط با آن کنار بیایند. رضایت نه‌چندان زیاد سازگاریها، هم ممکن است ناشی از کمبود امکانات در پردیس باشد و هم ناشی از مقایسه‌های ذهنی با سکونت قبلی یا وضعیت مطلوب. سازگاری و امید به آینده در این گونه سکونتی چشمگیر است. موقعیت بینابینی آنها بیم و امید است. بسته به آنکه وضعیت شهر چگونه شود و به چه سمت و سویی حرکت کند، سازگاریها ممکن است به‌سوی تبعیدی‌ها یا خوشحال‌ها متمایل شوند یا در صورت از دست‌رفتن قوای تحمل و سازگاری، به تودوق‌خورده‌ها تبدیل شوند. پاسخ سازگاریها به پرسش «آیا در پردیس می‌مانید» در حال حاضر مثبت است، اما این ماندگاری، نه حداکثری و همیشگی بلکه سست و حداقلی است.

گونه سکونتی تودوق‌خورده

وجه تمایز این گونه سکونتی در ناراضی‌بودن از وضعیت، ناامیدی از بهبود وضعیت شهر، قطعیت در ترک پردیس و امیدواری به بهبود وضعیت خود است. آنها که نه از روی ناچاری بلکه با انتخاب و براساس کیفیات ویژه شهر مانند آرامش و شرایط اقلیمی به پردیس آمده‌اند، با گذشت زمان و مشاهده نابسامانی‌ها از آن ناامید می‌شوند و تصمیم به ترک آن دارند. تودوق‌خورده‌ها به بهبود وضعیت پردیس امید ندارند، اما خود را محکوم به ماندن در پردیس نمی‌دانند. آنها مانند مردها به رصد تحولات شهر نیاز ندارند؛ چرا که در ترک پردیس به قطعیت رسیده‌اند. همچنین درحالی‌که تبعیدی‌ها علی‌رغم ناراضی‌تیی، افق امیدبخشی پیش‌رویشان نمی‌بینند، آنها امیدشان را به نجات از دست نداده‌اند.

گونه سکونتی مردد

آمار بالای مردها با تغییرات فزاینده شهر و بی‌ثباتی آن همخوانی دارد. آنها از وضعیت زندگی در پردیس چندان راضی نیستند، اما برای ترک آن هنوز به قطعیت نرسیده‌اند. مردها در حال رصد وضعیت‌اند تا تصمیمشان را بگیرند. تردید آنها ریشه در دو عامل عمده دارد: آینده شهر و ذهنیت خودشان. مردها درمورد آینده شهر با بیم و امید حرف می‌زنند. از طرفی امیدوارند امکانات شهر بهبود یابد و کیفیت قابل‌قبولی پیدا کند، از طرف دیگر هم از افزایش جمعیت، ازدحام و شرایط اجتماعی پیش‌رو با بیمناکی یاد می‌کنند. به‌زعم آنها، زمانی می‌توان

درمورد پردیس به قطعیت رسید که همه خانه‌های ساخته‌شده پر شوند. پردیسی‌ها از قدرت-گرفتن واسطه‌های مسکن و نبود نظارت کافی روی آن‌ها را یکی از ناامیدی‌های این شهر می‌دانند. آن‌ها همچنان از رسیدن مترو به پردیس به‌عنوان یکی از امیدهای خود یاد می‌کنند که این امر عمق وابستگی پردیس را به تهران نشان می‌دهد. از سوی دیگر، تردید آن‌ها ریشه در عوامل ذهنی نیز دارد. جدا از وابستگی‌های شغلی و خانوادگی، آن‌ها هنوز نتوانسته‌اند به‌گونه‌ای ذهنی، کاملاً خود را در پردیس تصور کنند و با زندگی در آن کنار بیایند. الگوی ذهنی مردها نیز با نگرش دور و نزدیک به تهران هماهنگی بیشتری دارد. حتی اگر شرایط عینی تغییر چندانی نکند، این تردیدها نمی‌تواند پایدار و همیشگی بماند و دیر یا زود تثبیت خواهد شد؛ چرا که سکونت تردیدآمیز در طولانی‌مدت ممکن نیست و با گذشت زمان محتمل است که مردها با شرایط سازگار شوند یا به‌سمت تودوق‌خورده‌ها متمایل شوند.

همچنین مطابق جدول ۷، از حیث آماری مردها بزرگ‌ترین و تبعیدی‌ها کوچک‌ترین گونه سکونتی شهر را به خود اختصاص داده‌اند. در میانه آن‌ها خوشحال‌ها، سازگارها و تودوق‌خورده‌ها به‌ترتیب، بزرگ‌ترین گونه‌ها به‌شمار می‌روند (جدول ۷).

جدول ۷. توزیع فراوانی گونه‌های سکونتی در پردیس

درصد	گونه سکونت
۱۳/۲	تودوق‌خورده
۳۴/۳	مردد
۹/۴	تبعیدی
۲۲	سازگار
۲۱/۱	خوشحال
۱۰۰	مجموع

الگوی کنش مربوط به رضایتمندی سکونتی؛ فاصله‌گیری یا مشارکت

بازنمود رضایتمندی از سکونت را می‌توان در کنش‌های اجتماعی و به‌ویژه میزان ارتباطات و مشارکت محلی گونه‌های سکونتی مختلف مشاهده کرد. به‌ترتیبی که تودوق‌خورده‌ها و تبعیدی‌ها کمتر از دیگران تمایل به ارتباط‌گیری و مشارکت در اجتماعات محلی را دارند و

بیشتر از دیگران از اجتماع فاصله می‌گیرند. این فاصله‌گیری اشکال مختلفی دارد: بی‌اعتنایی به همسایگان، خانه‌نشینی و حضور نیافتن در فضاهای عمومی، بی‌اعتنایی به اتفاقات و تحولات محیطی، رفتن به تهران به هر بهانه‌ای و نپذیرفتن پردیس به‌عنوان مکان زندگی. بدین ترتیب، آن‌ها به خود و دیگران یادآوری می‌کنند که جایشان اینجا نیست و به جای دیگری تعلق دارند. این فاصله‌گیری بسیار شبیه آن چیزی است که اروینگ گافمن، جامعه‌شناس آمریکایی، از آن به «فاصله‌گیری از نقش»^۱ یاد می‌کند. به بیان گافمن، فاصله‌گیری از نقش درجه‌ای است که افراد خود را از نقش‌هایی که در آن هستند جدا می‌کنند. یکی از بینش‌های کلیدی گافمن آن است که فاصله‌گیری از نقش، تابع منزلت اجتماعی شخص است؛ به طوری که افرادی با مناصب پایین مرتبه معمولاً با نشان دادن فاصله‌گیری از نقش، موضع دفاعی تری را بروز می‌دهند (ریترز، ۱۳۸۹: ۲۵۴). به‌زعم گافمن، هنگامی که افراد از منزلت خود و جایگاهی که در آن قرار گرفته‌اند رضایت ندارند، یکی از روش‌هایی که به کار می‌گیرند فاصله‌گیری از آن است. آن‌ها با این فاصله‌گیری، نارضایتی خود را از جایگاهی که خودخواسته یا به‌ناچار به آن‌ها داده شده نشان می‌دهند و اعلام می‌کنند جایگاه و منزلت واقعی‌شان بالاتر از حال حاضرشان است. فاصله‌گیری برخی از ساکنان پردیس را نیز می‌توان در همین راستا فهمید. آن‌ها که به‌ناچار و بیشتر به دلیل مسائل مالی مجبور شده‌اند در پردیس ساکن شوند، با ارتباط‌نگرفتن، مشارکت نکردن و بی‌اعتنایی به دیگران، هم نارضایتی‌شان را از مکانی که در آن قرار گرفته‌اند اعلام می‌کنند و هم جایگاه واقعی خود را گوشزد می‌کنند.

از سوی دیگر، خوشحال‌ها و تا حدی سازگارها جایگاه و موقعیت خود را پذیرفته‌اند و بیشترین ارتباط و مشارکت^۲ را از خود نشان می‌دهند. آن‌ها چون خود را در پردیس ماندگار می‌بینند و رضایت بیشتری از سکونت در پردیس دارند، فعالانه‌تر در اجتماعات محلی حضور می‌یابند. آن‌ها برخلاف فاصله‌گیران با همسایه‌ها ارتباط می‌گیرند، بیشتر در فضاهای عمومی حاضر می‌شوند، در امور محلی مشارکت می‌کنند و به اتفاقات و تحولات محیطی واکنش بیشتری نشان می‌دهند.

-
1. Role distance
 2. Participation

بحث و نتیجه‌گیری

مفهوم رضایتمندی سکونتی یک پیش‌فرض ساده و به نظر بدیهی اما مهم در خود دارد. اینکه کیفیت مسکن و محیط لزوماً با رضایتمندی از آن ارتباط ندارد و مسکن و محیط سکونت باید رضایت ساکنان را جلب کند و با نیازها و خواست آن‌ها منطبق باشد. در واقع این مفهوم و پرداختن به ابعاد گوناگونش، تلاشی برای عبور از عینی‌گرایی و کالبدگرایی حاکم بر گفتمان^۱ مهندسی و نزدیک‌شدن به گفتمانی انسان‌مدار در مسکن‌سازی و شهرسازی است که خود بیانگر تحولات درونی رشته‌های مختلف و تعاملات میان‌رشته‌ای است. در واقع، هدف فراتر رفتن از تحلیل‌هایی تک‌بعدی، خطی و عینی و اتخاذ رویکردی چندبعدی و پیچیده است که در کنار توجه به عوامل عینی همچون کیفیت مسکن و محیط، عوامل ذهنی مانند نگرش‌ها، انگیزش‌ها و تمایلات را نیز مطالعه کند. اتخاذ این رویکرد از لحاظ تحلیلی کمک می‌کند سیاست‌ها و برنامه‌هایی را که به‌گونه‌ای از بالا به پایین، غیرمشارکتی و بی‌توجه به جنبه‌های انسانی گروه‌های مختلف اجتماعی اجرا می‌شوند، ارزیابی و از آن‌ها انتقاد کنیم. در این معنا، رضایتمندی از شاخص‌های اساسی در بررسی موفقیت یا شکست پروژه‌ها و برنامه‌های مسکن‌سازی است.

سیاست ساخت شهرهای جدید در دهه‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ و همچنین مسکن مهر در اواخر دهه ۱۳۸۰ از جمله چالش‌های نظام برنامه‌ریزی شهری ایران بوده است. شهرهای جدید که با اهداف بلندپروازانه‌ای مانند جذب مازاد جمعیت مادرشهرها و تعدیل قیمت مسکن در مادرشهرها وارد نظام برنامه‌ریزی شهری ایران شده‌اند، با چالش‌های سکونتی جدی روبه‌رو می‌شوند. تحقق نیافتن بسیاری از برنامه‌های طرح جامع در این شهرها به‌ویژه تأمین متناسب اشتغال و خدمات (داداش‌پور و همکاران، ۱۳۹۲) از یک سو و تمرکزگرایی و افزایش روزافزون قیمت مسکن در مادرشهرها (به‌ویژه در تهران) از سوی دیگر، به شکاف جدی در اشتغال و سکونت منتهی شده است. این شکاف همان چیزی بوده که منتقدان از آن به خوابگاهی شدن شهرهای اقماری یاد می‌کنند. واقعیتی که در شهر پردیس با ضریب خوابگاهی ۵۵ درصد نیز قابل مشاهده است و ناگزیر تأثیر زیادی بر رضایتمندی از سکونت دارد. همچنین

عبور از مسئله مسکن انگیزه‌ای است که حداقل نیمی از ساکنان پردیس را به آنجا کشانده است؛ ساکنانی که ۸۰ درصد آن‌ها قبل از پردیس ساکن تهران بوده‌اند. این نتایج نشان می‌دهد تهران بیش از پیش ساکنانش را به درهای خروجی خود دعوت می‌کند؛ ساکنانی که پیوندهای عینی و ذهنی ناگسستنی‌ای با آن دارند. بخش‌های بزرگی از ساکنان نیز پردیس را به دلیل محیط بهتر آن انتخاب کرده‌اند؛ انگیزه‌ای که طرح جامع آن را به‌عنوان انگیزه اصلی سکونت در پردیس پیش‌بینی کرده است.

به نظر می‌رسد دو جهت‌گیری کلی سکونت در پردیس وجود دارد که ریشه در عوامل عینی و ذهنی مختلفی دارد و در رضایتمندی سکونتی نمود یافته است: سکونت اجباری و ناپایدار، و سکونت خودخواسته و پایدار. یکی از مهم‌ترین ریشه‌های ذهنی رضایتمندی، مقایسه میان مکان فعلی با مکان گذشته و مورد انتظار است. در نتیجه سکونت ناپایدار در کنار عوامل عینی ریشه در ذهنیت تثبیت‌نیافته‌ای دارد که تکلیفش را با سکونت قبلی و آتی خود مشخص نکرده باشد. از این منظر، تهران همواره برای ساکنان پردیس نقشی بی‌ثبات‌کننده خواهد داشت؛ چرا که مرجع مهمی برای مقایسه است و همواره وسوسه رفتن را در ذهن ساکنان پردیس زنده نگه می‌دارد. بی‌جهت نیست که حدود ۸۰ درصد آن‌ها یا مترصد رفتن به تهران هستند یا ترجیح می‌دهند در نزدیکی آن باشند.

به نظر می‌رسد پنج گونه از منظر رضایتمندی در شهر پردیس سکونت دارند. تفاوت این گونه‌ها نه در میزان رضایتمندی، بلکه در وجوه کیفی و ذهنی آن است. آن‌ها در انگیزه سکونت، علت ماندگاری، نگرش به پردیس، نگرش به تهران، امیدواری یا ناامیدی از تغییر، و مطلوب‌ها و انتظارات سکونتی خود، تفاوت‌های معناداری با هم دارند. از لحاظ آماری، مردها بزرگ‌ترین و تبعیدی‌ها کوچک‌ترین گونه سکونتی پردیس را به خود اختصاص داده‌اند. باین حال، از لحاظ کیفی تبعیدی‌ها و تودوق‌خورده‌ها در یک طرف، و خوشحال‌ها در طرف مقابل، مهم‌ترین آن‌ها هستند؛ چرا که مردها و سازگاران گونه‌های موقتی هستند که با گذشت زمان به یک سر طیف نزدیک خواهند شد. مردها وضعیت را به‌منظور تصمیم‌گیری برای ماندن یا ترک شهر رصد می‌کنند، تبعیدی‌ها احساس می‌کنند از سکونتگاه قبلی‌شان اخراج شده‌اند و خود را محکوم به ماندن در اینجا می‌دانند، تودوق‌خورده‌ها از زندگی در پردیس

رضایت ندارند و البته به تغییر شرایط خود امیدوار هستند، سازگاریها خود را با شرایط کنونی تطبیق داده‌اند و فعلاً منتظر بهبود وضعیت هستند و خوشحالی‌ها که خودخواسته به پردیس آمده‌اند، کیفی‌ترین رضایت را از زندگی در آن دارند.

متناسب با دو نوع سکونت، دو نوع کنش محوری را نیز می‌توان در پردیس مشاهده کرد. سکونت موقتی و اجباری با خود بی‌اعتنایی و کناره‌گیری (فاصله‌گیری) به همراه می‌آورد و سکونت خودخواسته و پایدار، عمدتاً با نوعی مشارکت‌پذیری و مسئولیت‌پذیری همراه می‌شود. نداشتن ارتباط با همسایه‌ها، خانه‌نشینی و بی‌میلی به مداخله در امور عمومی، از مصادیق مهم کنش کناره‌گیری محسوب می‌شود. کنش فاصله‌گیری همراه با ذهنیت تثبیت‌نشده و همچنین زندگی خوابگاهی، تبدیل‌شدن شهرهای جدید در مجاورت مادرشهرها به اجتماعات محلی را بیش از پیش دشوارتر و چالش‌برانگیزتر کرده است. شکل‌گیری و تقویت اجتماعات محلی مستلزم حدی از مشارکت و ثبات‌یافتگی است که حداقل با ماهیت سکونت بخشی از شهر در تعارض قرار می‌گیرد.

به نظر می‌رسد شکل‌نگرفتن اجتماعات محلی یا ضعف آن‌ها، روابط همسایگی و مشارکت‌های محلی را باید از چالش‌های اساسی شهرهای جدید به‌ویژه در مجاورت مادرشهرها در نظر گرفت. سیاست مسکن‌سازی بدون پشتوانه‌های اجتماعی و همچنین نداشتن توجه کافی به تأمین خدمات و فرصت‌های اشتغال، به پیدایش سکونتگاه‌هایی در اطراف تهران منجر شده که بیشتر به مکان استراحت کارمندان و کارگران شاغل در تهران تبدیل شده است. این مجموعه سیاست‌ها، اگر در خوش‌بینانه‌ترین حالت مدعی باشیم که در تأمین مسکن مناسب و ارزان‌قیمت موفق بوده، در ایجاد یک حیات شهری فعال، زنده و اجتماعی که با اجتماعات محلی و فضاهای عمومی قدرتمند و پویا همراه باشد چندان موفق نبوده است. توجه داشته باشیم که این‌گونه نقدها به دنبال رد سیاست‌های مسکن‌سازی اجتماعی و مسکن ارزان‌قیمت نیست و بالعکس، آن را ضروری می‌داند. اما امری که باید به آن توجه شود، نقد این‌گونه سیاست‌ها از منظر رضایتمندی و نوع و ماهیت سکونت و تعاملات انسانی و اجتماعی شکل‌گرفته در آن است. رضایتمندی سکونتی ابزار مفهومی و تحلیلی قدرتمندی را برای این نوع نگرستن به سکونتگاه‌های انسانی و سیاست‌ها و برنامه‌های مرتبط با آن فراهم می‌آورد.

موج افزایش قیمت مسکن در دهه ۱۳۹۰ و مهاجرت خواسته یا ناخواسته به تهران و سکونتگاه‌های اقماری آن و توسعه فضایی آن به‌ویژه در غرب و شرق، تهران بزرگ را به سکونتگاهی با چالش‌ها و پیچیدگی‌های سکونتی فراوان تبدیل کرده است؛ پدیده‌ای که به‌نظر می‌رسد به‌دلیل ساختن ابزارهای مفهومی کارآمد، باید بیش از پیش مورد توجه محققان و دانشگاهیان قرار گیرد و به موضوعی جدی برای پژوهش تبدیل شود.



منابع

- ابراهیم‌زاده، عیسی؛ قرخلو، مهدی و مهدی شهریاری (۱۳۸۸)، «تحلیلی بر نقش شهر جدید پردیس در تمرکززدایی از کلان‌شهر تهران»، *مجله جغرافیا و توسعه*، شماره ۱۳: ۲۷-۴۶.
- برک‌پور، ناصر؛ مظفری، نگین و بیتا لطیفی (۱۳۹۵)، «سنجش و مقایسه میزان رضایتمندی ساکنان از سیستم سکونتی»، *نشریه مطالعات شهری*، شماره ۱۷: ۷۷-۹۲.
- بلیکی، نورمن (۱۳۹۶)، *طراحی پژوهش‌های اجتماعی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- تانکیس، فرن (۱۳۹۰)، *فضاشهر و نظریه اجتماعی*، مناسبات اجتماعی و شکل‌های شهری، ترجمه حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- تختی، بیتا و ویدا وثوقی (۱۳۸۶)، «تقویت هویت در شهرهای جدید»، در *مجموعه مقالات هویت شهرهای جدید (۲)*، تهران، وزارت مسکن و شهرسازی؛ شرکت عمران شهرهای جدید: ۱۱۷-۱۲۵.
- داداش‌پور، هاشم و مریم اکبرنیا (۱۳۹۲)، «تحلیل خوداتکایی شهرهای جدید در منطقه کلان‌شهری تهران؛ مطالعه موردی شهر جدید پردیس»، *مجله آمایش جغرافیایی فضا*، شماره ۱۰: ۴۴-۶۵.
- دواس، دی. ای. (۱۳۸۳)، *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*، ترجمه هوشنگ نائبی، تهران: نشر نی.
- رضایی، محمدرضا؛ مؤذن، سهراب و نرگس نذر (۱۳۹۳)، «تحلیل رضایتمندی از شاخص‌های کیفیت محیط در شهرهای جدید؛ مطالعه موردی شهر جدید پرنده»، *نشریه پژوهش‌های جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری*، شماره ۱: ۳۱-۴۷.
- رفیعیان، مجتبی؛ امین صالحی، فرزین و علی‌اکبر تقوایی (۱۳۸۹)، «سنجش کیفیت محیط سکونت در شهرک اکباتان تهران»، *مجله برنامه‌ریزی و آمایش فضا*، شماره ۶۸: ۶۳-۸۵.
- رفیعیان، مجتبی؛ عسگری، علی و زهرا عسگری‌زاده (۱۳۸۸)، «سنجش میزان رضایتمندی سکونتی ساکنان محله نواب»، *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، شماره ۶۷: ۵۳-۶۸.

- رفیعیان، مجتبی؛ نظری، مونس و هاشم داداش پور (۱۳۹۵)، «سنجش رضایتمندی سکونتی از مطلوبیت مکانی در نواحی شهری برنامه‌ریزی‌شده؛ مطالعه موردی مهرشهر کرج»، *مجله هویت شهر*، شماره ۲۷: ۳۱-۴۰.
- زیمل، گئورک (۱۳۷۲)، «کلان‌شهر و حیات ذهنی»، ترجمه یوسف اباذری، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۳: ۵۳-۶۶.
- شاطریان، محسن؛ سهراب‌زاده، مهران؛ امام‌علیزاده، حسین و سید سعید حسینی‌زاده (۱۳۹۶)، «بحران هویت و انزوای اجتماعی در شهرهای جدید و رابطه آن با رضایت از محل سکونت؛ مطالعه موردی شهر جدید پردیس»، *نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، شماره ۲۸: ۱۱۱-۱۳۴.
- فلیک، اووه (۱۳۸۸)، *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- گیفورد، رابرت (۱۳۷۸)، «ادراک و شناخت محیطی»، ترجمه نسرين دهباشی، *فصلنامه معماری و فرهنگ*، شماره ۲-۳: ۵-۲۳.
- گیفورد، رابرت (۱۳۷۸)، «روانشناسی محیط‌های مسکونی»، ترجمه وحید قبادیان، *فصلنامه معماری و فرهنگ*، شماره ۲-۳: ۷۱-۹۲.
- Aragones, J., and Amerigo, M. (1997), "A Theoretical and Methodological Approach to the Study of Residential Satisfaction", *Journal of Psychology*, No. 17: 47-57.
- Aragones, J., and Amerigo, M. (1990), "Residential Satisfaction in Council Housing", *Journal of Environmental Psychology*, No. 10: 313-325.
- Baba, Y., and Austin, D. (1989), "Neighborhood Environmental Satisfaction, Victimization and Social Participation as Determinants of Perceived Neighborhood Safety", *Environment and Behavior Journal*, No. 21: 763-780.
- Ha, M., and Weber, M. (1994), "Residential Quality And Satisfaction: Toward Developing Residential Quality Indexes", *Home Economics Research Journal*, No. 22: 296-308.
- Lansing, J., and Marans, R. (1969), "Planner's Notebook Evaluation of Neighborhood Quality", *Journal of the American Institute of Planners (AIP)*, No. 14: 195-199.
- Lefebvre, H. (1968), *Every Day Life in the Modern World*, Translated By S. Rabinovitch and A. Lane, London: Penguin Press.